

اعمال مجازات اعدام در تضاد با قواعد حقوق بشری اسناد حقوق بین الملل

سعادت علی جلال دوست^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۶

داوود داداش نژاد دلشاد^۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۳

محمدجواد باقی زاده^۳

چکیده

اعدام مهمترین شیوه اعمال مجازات بدنی است چراکه در آن حیات فرد دچار مخاطره شده و از بین می رود. حق حیات جدایی از اینکه یک حق ذاتی و وجودی انسان است از منظر اخلاقی نیز به نظر می رسد حق حیات در اسناد بین المللی به عنوان حق برتر مطرح گردیده است و مستنبط از قواعد بین الملل نیز لغو مجازات اعدام به عنوان یک اصل و تنها به شرط ارتکاب جرائم مهم آن به صورت جزئی مورد پذیرش قرار گرفته باشد. هدف از اجرای مجازات به غیر جنبه سزادهی آن ایجاد ارعاب در فرد و بازپروری اجتماعی مجرد می باشد که در اعمال مجازات اعدام هیچکدام از این موارد به وقوع نخواهد پیوست. اسناد بشری حقوق بین الملل به طوت عام و خاص حفظ حق حیات را تبیین نموده و نقض آن را تنها در شرایط خاص قابل اجرا دانسته اند.

کلید واژگان

اعدام، بازدارندگی، اسناد بین المللی، حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی سیاسی

۱ دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

saadatjalaldoust@gmail.com

۲ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

dadashnejaddavood@yahoo.com

۳ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

baqizadeh@gmail.com

کیفر اعدام حق جامعه نیست بلکه نتیجه مبارزه و تعارضی است بین یک جامعه و شهروند که نهایتاً جامعه نابودی متهم را ضروری و مفید می‌داند. چراکه سعادت جامعه در این است که حق حیات و حق آزادی محدود به حفظ و رعایت حیات و آزادی دیگران باشد. ولی کیفر اعدام همیشه ضروری نیست و تنها وقتی قابل توجیه است که وجود فرد مجرم برای نظم و امنیت جامعه خیلی خطرناک باشد لذا وقتی جامعه در صدد تحصیل آزادی مشروع یا در معرض از دست دادن آن باشد و یا برای پایان دادن به هرج و مرج که حاکمیت قانون به خطر می‌افتد ممکن است جامعه کیفر اعدام را ضروری تلقی نماید. مجازات بدنی می‌تواند شامل هر نوع مجازاتی شود که بر بدن فرد تحمیل می‌گردد اما مهمترین آنها همانطور که در بالا نیز شرح داده شد اعدام، شلاق، قطع عضو... می‌باشد که در این مقاله ما به مهمترین آنها مصرح در اسناد بین‌المللی خواهیم پرداخت.

مفهوم مجازات بدنی

مجازات‌های بدنی مجازات‌هایی هستند که تمامیت جسمی مجرم را مورد نظر قرار داده و نسبت به جسم فرد اعمال می‌گردد؛ «قطع عضو» و «شلاق زدن» از مهم‌ترین مصادیق مجازات‌های بدنی هستند. مجازات یا تنبیه بدنی در اصل ذیل واژه‌ی شکنجه به معنای به رنج و آزار و اذیت و عذاب معنی شده است. مطابق با صدر ماده ۱ قرارداد ۱۹۸۴ واژه شکنجه (که در مفهوم مصادیقی ما برای مجازات بدنی به کار می‌بریم) معرف هرگونه عملی است که به واسطه آن رنج و مرارت‌های شدید اعم از جسمی یا روانی به شخص وارد کنند. این رنج و مرارت به خصوص به منظور آن است که از او یا شخص ثالث اطلاعات یا اقرارهایی اخذ کنند تا بتوانند آن شخص یا ثالث را به واسطه عملی که انجام داده و یا مظنون به ارتکاب آن است مجازات نمایند و یا او را بترسانند یا تحت فشار قرار دهند و یا شخص ثالث را بترسانند و فشار بر او وارد نمایند. (ماده ۱، قرارداد بین‌المللی منع شکنجه و دیگر مشتقات یا رفتارهای خشن، غیرانسانی یا موهن مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد) بنابراین هر عملی که که عرفاً قادر باشد درد یا رنج شدید جسمی ایجاد کند مجازات بدنی به صورت مادی است. در هر حال مقصود ما از مجازات‌های بدنی در اینجا اعمال مجازات‌های مقدر شده در آرای کیفری هستند به قانون مجازات بر علیه تمامیت یا جزئی از بدن انسان می‌باشد.

۱: اعدام به عنوان یک مجازات

یکی از مهمترین مجازات‌های بدنی که بسیار مورد تحلیل حقوقدانان اسلامی و حقوقدانان بین‌المللی قرار گرفته است در علم جامعه‌شناسی پدیده مجازات اعدام نوعی کیفر و به عنوان جزئی از نظام حقوقی که به نوبه خود نظام هنجاری و نوعی کنترل اجتماعی است، تعریف می‌شود. عفو بین‌الملل، مجازات اعدام را در همه موارد اشتباه می‌داند و اعمال این نوع مجازات را نهایت ظلم انسانی می‌داند که سبب تنزل جایگاه مجازات و نقض حق حیات خواهد گردید. اگر مجازات را به عنوان واکنش جامعه علیه

جرم قلمداد نماییم بنابراین مجازات به این معناست که جامعه برای حفظ، تأمین نظم و منافع عمومی و اذهان اجتماعی و بهداشت روانی اقدام به مجازات می‌کند و بدین ترتیب از بروز هرگونه بزهکاری و عمل مجرمانه در متن جامعه جلوگیری می‌شود. اعدام، شکل قدیمی مجازات است و با گذشت زمان و پیدایش مکاتب فکری و جزائی جدید در بسیاری از کشورها این نوع مجازات جای خود را با اقدامات تأمینی و تربیتی عوض کرد.

مجازات اعدام یا مجازات مرگ روشی قانونی است که توسط آن دولت، زندگی فردی را به علت انجام یک جرم سلب می‌کند. جرایمی که موجب اعمال مجازات مرگ می‌شود به عنوان جنایات یا جرایم مهم شناخته می‌شوند. اعدام نوعی کیفر و مجازات و به عبارتی دیگر، اشد مجازات برای محکوم است. این کیفر یکی از موارد پیش بینی شده در قانون برخی کشورهاست که در آن به حکم قانون و بر اساس حکم دادگاه عمومی جنایی نظامی و... زندگی یک انسان سلب می‌شود. مجازات اعدام در یک تقسیم بندی از اقسام مجازاتها در شمار مجازاتهای بدنی قرار می‌گیرد که منجر به سلب حیات فرد مجرم می‌شود.

موضوع لغو مجازات اعدام، در پروتکل الحاقی دوم ۱۹۸۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان گردیده است که توسط کشورهای عضو سازمان ملل تأیید و تصویب شد. به علاوه قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۴، شرط ارتکاب جرایم مهم را برای اجرای حکم اعدام بیان داشته است. اگر چه خود این عنوان نیز خالی از اشکال نیست چرا که تمیز جرائم مهم از جرائم غیر مهم در حقوق داخلی کشورها تبیین گردیده است و این خود دشواری تمایز را دوچندان می‌نماید. هرچند که در عمل بسیاری از کشورها جرایم مهم خود را در طول این سالها کاهش داده اند به عنوان مثال جرایم مهم کره شمالی از ۳۳ به ۵ در سال ۲۰۰۱ و در ویتنام از ۴۴ به ۲۹ کاهش یافته است. در این راستا گزارش شورای اجتماعی اقتصادی سازمان ملل که در سال ۲۰۰۵ اجرای قطعنامه ۱۹۸۴ را ارزیابی می‌کند نشان دهنده یک روند تشویقی در اکثر کشورها در جهت لغو و محدود کردن مجازات اعدام می‌باشد.

الف: غیر قابل تعرض بودن حیات انسان

حق حیات به عنوان نخستین حق از حقوق بنیادین بشر محل اتفاق اسناد بین المللی عام حقوق بشر است. از اینرو حق حیات از سوی کمیته حقوق بشر سازمان ملل «حق برتر» خوانده شده است. حیات انسان غیر قابل تعرض بوده و کسی حق تجاوز به آن را ندارد. حق حیات و مرگ انسان ذاتاً محترم بوده و اهانت به آن برای احدی ثابت نشده است. به طور کلی در ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر، بند ۲ ماده ۶ میثاق بین المللی مدنی سیاسی، ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۴ کنوانسیون حقوق بشر و ... مورد تصریح قرار گرفته است که در ادامه مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

ب: عدم واگذاری حق حیات به جامعه

هر چند که برخی افراد بر این باورند که هدف غایی و نهایی کسب منفعت اجتماعی است و ساختار اجتماعی باید در پرتو فایده اجتماعی (گروهی) توجیه گردد اما برخی نیز اینگونه استدلال می کنند که انسانها حق حیات خود را مبتنی بر یک همدندی اجتماعی به جامعه واگذار نموده اند و آنها که در یک جامعه هستند برای برخورداری از مواهب اجتماع تنها از جزئی از آزادی خود گذشته اند.

به عقیده جان لاک افراد در قرارداد اجتماعی تشکیل جامعه از کلیه حقوق خود صرف نظر نمی کنند بلکه برای تشکیل دولت مقداری از حقوق و آزادی خود را به جامعه واگذار می نمایند. قدرت هیأت حاکمه ناشی از قدرت افراد ملت است و افراد نیز نمیتوانند به حکمران خود قدرت مطلق بدهند زیرا خود دارای چنین قدرتی نیستند و کسی چیزی را که دارا نیست نمی تواند به دیگری واگذار نماید. پس افراد حق ندارند قدرت اعدام را به هیأت حاکمه تفویض کنند و اعدام نمی تواند مبتنی بر حقی باشد. البته برخی نویسندگان نیز منشا این مسئله را در الهی بودن حق حیات می دانند. شارل لوکا در کتاب خود به نام مجازات اعدام و کیفرهای جزایی مینویسد: آزادی فرد بالاترین موهبت الهی بوده و غیر قابل تعرض و تجاوز است. هیچ کس حق ندارد فردی را از بین ببرد.

۲: بررسی مشروعیت کیفر اعدام به عنوان یک مجازات بدنی

تبیین و اعمال مجازات اعدام مسئله ای است که همواره مورد گفتمان حقوقدانان و نظریه پردازان اجتماعی بوده است. مسئله اساسی در این گفتمان، حفظ یا لغو مجازات اعدام می باشد. با اینحال تا اواسط قرن نوزدهم نسبت به مجازات اعدام ایراد اساسی گرفته نمیشده و به نظر می رسد آنچه که مورد ایراد بوده است نحوه انجام اعدام بوده است. ژان ژاک روسو، کیفر اعدام را برای جامعه ضروری دانسته است و حقوقدانانی چون منتسکیو و سزار بکاریا مجازات اعدام را مورد انتقاد قرار داده و اصولاً قائل به القای مجازات در بیشتر موارد بوده اند. در ادامه به بیان نظریات مخالفان مجازات اعدام خواهیم پرداخت.

الف: غیرقابل جبران بودن اشتباه قضائی از اجرای اعدام

کیفر اعدام وقتی به مورد اجرا گذارده شد، دیگر اشتباهات قضائی کاملاً غیرقابل جبران می گردد. تاریخ بشر در تمامی جوامع، شاهد قتل عامها و صدور احکام اعدام و حبس و غل و زنجیر افرادی بوده که بعدها ثابت شده است، بی گناه بوده و هیچ ضرورتی به اعمال آنها همه خشونت نسبت به قربانیان آنها جماعت نبوده است. تنها گناه قربانیان این بوده است که ناخواسته به طبقه ای دیگر تعلق داشته اند و یا طرز تفکر و عقایدشان با عقاید طبقه حاکم در یک جهت نبوده است.

ب: نقض اصول محاکمه

در جرائم مستوجب کیفر اعدام، اغلب محاکمه عادلانه متهم تبدیل به یک رقابت ناسالم غیراصولی بین طرفین محاکمه پیرامون حیات و ممات شخص متهم می‌گردد و لذا رسیدگی به دلایل و کشف حقیقت به مخاطره افتاده و عدالت به دست فراموشی سپرده می‌شود. مخصوصاً زمانی که مسائل سیاسی و امنیتی سبب اعدام فرد تلقی گردد همواره بیم تبانی و نقض عدالت وجود دارد.

پ: فقدان حق جامعه در سلب حیات محکوم‌علیه

حیات اشخاص متعلق به جامعه نیست تا جامعه حق سلب آن را داشته باشد؛ بلکه برعکس، جامعه موظف به حفظ و حمایت افراد در جامعه است. حیات انسان فقط در دست خالق یکتا و متعلق به اوست نه جامعه و لذا جامعه که خود حیات را به بشر نداده حق باز پس گرفتن آن را نیز ندارد. در یک سیستم مذهبی، قصاص قتل و جرح عمدی مرتکب، تحول مسئولیت مشترک و جمعی و گروهی به مسئولیت فردی و سپس امکان تبدیل آن به دیه و توصیه بر عفو و گذشت است، در نظامی که اعتقاد افراد الهی بودن منساحیات و ممات انسان است کیفرهای بدنی هدف نیست بلکه پیشگیری از ارتکاب گناه مستلزم کیفر با ارباب فردی و عمومی و برقراری قسط و عدل در روابط صحیح و عادلانه مردم در کلیه شئون زندگی اجتماعی است. در مورد جوامعی که نظام قانونی آن جوامع الزاماً مذهبی نیست حاکمیت و قوانین از جمع و الحاق اراده افراد در هر جامعه با واگذاری قسمتی از آزادی هریک از شهروندان پدید آمده و در واقع کسی اختیار تصمیم‌گیری درباره مرگ خود را به سایر انسان‌ها نسپرده است. گذشت از قسمتی از آزادی، گذشت از نعمت حیات نیست.

ت: عدم امکان اصلاح بزهکار با مجازات اعدام

یکی از مسائل مهم در حقوق جزای کیفری مسئله اصلاح بزهکار و بازگشت مجدد وی به صورت فردی هنجار مند به اجتماع می‌باشد. هدف از کیفر هر چند که می‌تواند سزادهی باشد اما ترمیم و اصلاح رفتار وی هدف غایی و نهایی از اجرای مجازات می‌باشد. با اجرای مجازات اعدام و سلب حیات از محکوم‌علیه دیگر انجام چنین برنامه‌های علمی برای بازپروری مجرم، منتفی خواهد بود. البته با اعمال مجازات اعدام جنبه اربابی آن نیز از بین خواهد رفت.

مخالفان مجازات اعدام به مفید و عادلانه بودن این کیفر اعتقادی ندارند و به این مسئله که مجازات اعدام می‌تواند از جرائم و تکرار آن‌ها پیشگیری کند نیز معتقد نیستند و می‌گویند علی‌رغم کثرت این مجازات همیشه با مجرمانی مواجهیم که جرائم مستحق مجازات اعدام را بی‌محابا و بدون ترس از این کیفر انجام می‌دهند، و بالاخره به نکته مهمی که شاید اقوی دلیل این گروه است اشاره می‌کنند و آن برگشت‌ناپذیر بودن کیفر اعدام است که به مجرد حصول، راهی برای جبران آن در صورت کشف اشتباه یا غرض‌ورزی و یا جهات دیگر وجود ندارد. این گروه به اعدام‌های متعددی استناد می‌کنند که بر مبنای اشتباه اجرا شده و راهی برای جبران آن وجود نداشته است. درحالی‌که در مجازات‌های دیگر طرق جبران اگرچه نه به‌طور کامل اما به شکل نسبی وجود

دارد. دلایل موافقان و مخالفان باعث شده تا در برخی از کشورها مجازات اعدام در قوانین جزایی آن‌ها فراوان دیده شود و اجرای این کیفر نیز به میزان قابل توجهی بالا است، بعضی دیگر هرچند از کثرت کیفر مرگ در قوانین خود بهره گرفته‌اند اما در عمل با امساک با آن برخورد می‌کنند و بالاخره عده‌ای نیز مطلق اعدام را از زرادخانه خود زدوده‌اند و مجازات‌های دیگری را جانشین آن کرده‌اند

۳. مجازات اعدام در اسناد بین‌المللی

الف: اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر که شامل یک مقدمه و ۳۰ ماده است در دهم دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. ۴۸ عضو از ۵۸ عضو وقت سازمان ملل به این اعلامیه رأی مثبت دادند و هیچ رأی مخالفی وجود نداشت. ۱۸ سال بعد اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط سه معاهده تکمیل شد که عبارت بودند از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و پروتکل اختیاری آن به همراه پروتکل اختیاری دیگری که در دسامبر ۱۹۸۹ به وسیله مجمع عمومی تصویب شد. مجموع این پنج سند را لایحه بین‌المللی حقوق می‌نامند. ماده ۳ اعلامیه مقرر می‌دارد: هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. ماده ۵: احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد. ماده ۱۲ نیز پیش‌بینی می‌کند که هر کس حق حمایت قانونی علیه مداخله دلخواهانه در زندگی خصوصی، خانواده، مسکن یا مکاتبات خود را دارد. در این اعلامیه صراحتاً به مجازات اعدام اشاره ای نشده است ولی در ماده ۳ از حق حیات حمایت شده است و ماده ۵ نیز مجازات‌های خشن، ظالمانه و غیر انسانی را منع می‌کند، اگر مجازات اعدام را مشمول عنوان شکنجه و مجازات‌های ظالمانه بدانیم، می‌توان قائل شد به اینکه تمایل اعلامیه به لغو مجازات اعدام بوده است. «اگر چه نظریه اقلیت که می‌خواستند مجازات اعدام نقض حیات اعلام شود با موافقت همگان روبرو نشد و در نتیجه متن نهایی به این مجازات اشاره نکرد، آنقدر که برای نویسندگان اعلامیه بدیهی بود که این امر با نقض حیات تناقضی ندارد.»

ب: معاهده بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

این معاهده برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر به بیان اصول کلی حقوق بشر پرداخته و دولتهای عضو را مکلف می‌کند که حقوق اساسی و مهمی را که در آن پیش‌بینی شده و تدابیر قانونی و اجرایی در مورد همه افراد را رعایت کنند و راهکارهایی نیز برای عملی شدن این منظور پیش‌بینی شده است. مطابق ماده ۲۸ این معاهده، کمیته حقوق بشر، مرکب از ۱۸ عضو ایجاد شده است، این کمیته علاوه بر اینکه به شکایات افراد علیه دولت‌هایی که پروتکل اختیاری را پذیرفته‌اند، رسیدگی می‌کند. گزارش‌های رسیده از دولت‌ها را بر اساس ماده ۴۰ بررسی می‌کند. ماده ۶ این معاهده از ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر اقتباس شده است به حق حیات اشاره دارد. در این ماده آمده است: حق زندگی از حقوق ذاتی انسان است، قانون باید از این حق حمایت کند و هیچ

فردی را نمی توان خود سرانه از زندگی محروم کرد. اگر چه بندهای ۲ تا ۶ این ماده محدودیت هایی برای اجرای مجازات اعدام مطرح می کنند و صراحتاً به این مجازات اشاره دارند ولی به موجب ماده ۶ دولت های عضو ملزم به لغو مجازات اعدام نیستند، بلکه ملزم هستند که اجرای آن را محدود کنند. در بند ۲ این ماده آمده است: « در کشور هایی که مجازات اعدام لغو نشده است » به نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل این مفهوم دلالت بر این دارد که لغو مجازات اعدام امری مطلوب است. در بند ۶ این ماده نیز آمده است: « هیچ یک از مقررات این ماده برای به تأخیر انداختن یا منع لغو مجازات اعدام از طرف کشورهای عضو این معاهده قابل استناد نیست. »

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل که صلاحیت دارد به دولت ها در جهت رعایت حقوق بشر توصیه نماید در سال ۱۹۸۴ برای حمایت از حقوق اشخاص محکوم به اعدام متنی را تهیه نمود. در این متن تصریح می کند که عبارت «مهمترین جنایت» مندرج در معاهده را باید تفسیر مضیق نمود و آن را فقط شامل جنایات عمدی و جرایم مهم دانست. کمیته حقوق بشر به کرات اعلام کرده بود که رعایت نکردن تضمین های اساسی مندرج در ماده ۱۴ از قبیل حق دفاع، بی طرفی، اصل قانونی بودن، اصل برائت، در یک دادرسی منتهی به محکومیت به اعدام نقض ماده ۶ محسوب می شود و باید این موارد به عنوان مقتضیات یک محاکمه عادلانه رعایت گردد. ماده ۷ معاهده، شکنجه، مجازات و برخوردهای غیر انسانی را منع می کند و عدم رعایت موازین انسانی را نقض ماده ۷ به حساب می آورد. در موارد متعددی صدمه ها و رنج و عذاب وارده بر اشخاص را در هنگام اجرای مجازات اعدام مانند سنگسار کردن، اعدام به وسیله اتاق گاز، اعدام با صندلی الکتریکی و اعدام با تزریق سم و مواد کشنده را نقض ماده ۷ به حساب آورده است.

پ: پروتکل الحاقی دوم مربوط به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

این پروتکل ناظر بر لغو مجازات اعدام است که در سال ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد و در ۱۱ ژوئیه ۱۹۹۱ لازم الاجرا شد. تصویب «پروتکل دوم الحاقی مربوط به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی با هدف لغو مجازات اعدام» در مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ طی قطع نامه شماره ۴۴ / ۱۲۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گام مهمی برای مخالفان مجازات اعدام در عرصه بین المللی محسوب می شود که حدود بیست و سه سال بعد از تصویب میثاق برداشته شده است. مهمترین هدف و مقرر این پروتکل، محو و الغای مجازات اعدام است. این پروتکل مشتمل بر ۱۱ ماده است، ماده ۱۱ این سند کشورهای عضو را از اجرای حکم اعدام منع می کند، همین ماده دولت های عضو را مکلف می کند که در جهت لغو مجازات اعدام فعالیت کنند. این سند لغو مجازات اعدام را تنها در زمان صلح پیش بینی می کند و اجرای آن را برای جرایم نظامی و در زمان جنگ حفظ کرده است. طبق نظر بسیاری از صاحب نظران تنها نیاز به گذر زمان است که بقیه ۱۲۰ کشور عضو سازمان ملل (که شامل اعضای شورای امنیت امریکا، چین، روسیه و همچنین ایران، هند، ژاپن، نیجریه و عربستان سعودی هستند) به تصویب پروتکل الحاقی دوم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) ترغیب شوند و مجازات اعدام را یک بار و برای همیشه لغو

کنند. این در حالی است که صاحب‌نظران دیگر خاطرنشان میکنند، سؤالات سیاسی، فلسفی و قانونی جدی ای درباره مجازات اعدام باقی مانده است.

ت: کنوانسیون سوم و چهارم ژنو ۱۹۴۹

کنوانسیون سوم و چهارم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به تصویب رسیدند و تا اول ژانویه ۱۹۹۶، ۱۸۶ دولت به این دو کنوانسیون پیوستند. کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو اولین سند بین‌المللی است که مجازات اعدام را محدود کرد. به موجب ماده ۶۶ این کنوانسیون حکم اعدام باید به اطلاع دولت مطبوع زندانی برسد و حداقل ۳ ماه بین زمان صدور حکم و اجرای مجازات فاصله وجود داشته باشد. ماده ۵۱ کنوانسیون سوم ژنو در مورد بهبود وضعیت زخمی‌ها و بیماران نیروهای مسلح است که عبارتند از قتل عمد، شکنجه یا رفتار ضد انسانی، انجام آزمایش‌های بیولوژیکی، لطمه به تمامیت جسمی و روحی و انهدام اموال بدون وجود ضرورت نظامی. ماده ۱۳۰ این کنوانسیون در مورد رفتار با اسرای جنگی است که عبارتند از قتل عمد، شکنجه یا رفتار ضد انسانی، مطابق ماده ۸۷ این کنوانسیون دادگاه می‌تواند مجازات اعدام را علیه اسیر جنگی حتی در صورتی که مجازات آن جرم اعدام باشد اعمال نکند. همچنین ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت از اشخاص عادی در زمان مخاصمات مسلحانه است. این کنوانسیون حق اعمال مجازات اعدام را برای نیروهای اشغالگر در هنگام مخاصمات مسلحانه فقط برای جرایم جاسوسی، قتل عمد و خرابکاری‌های شدید اجازه داده است؛ آنهم در صورتی که در قوانین کشور اشغال شده، قبل از اشغال، این مقررات وجود داشته باشد.

پروتکل اول الحاقی کنوانسیون ژنو مربوط به نزاع‌های مسلحانه بین‌المللی و پروتکل الحاقی دوم این کنوانسیون مربوط به نزاع‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، از قربانیان این نزاع‌ها حمایت می‌کنند و اجرای مجازات اعدام را در مورد اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن دارند و مادران دارای کودک و زنان حامله ممنوع دانسته است. نکته در خور توجه درباره ممنوعیت تعرض به حیات و ممنوعیت اعدام بدون حکم دادگاه صالح و مراعات تضمین‌های قضایی در این کنوانسیون‌ها این که، این مقررات ناظر به شرایطی‌اند که دولت‌ها در وضعیت جنگی قرار دارند که در این حالت اجرای برخی از حقوق و آزادی‌ها می‌تواند به حال تعلیق درآید، اما با این حال دولت‌ها حتی در این شرایط هم ملزم به رعایت این اصول می‌باشند و نمی‌توانند اجرای این اصول را به حال تعلیق در آورند. مضافاً به این که ماده ۳ مشترک با تأکید بر این امر که این امور در هر زمان و در هر مکان ممنوع بوده‌اند و ممنوع خواهند بود، حکایت از ممنوعیت این امور حتی قبل از تصویب این اسناد دارند. به این معنی که، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، از چنان جایگاه ویژه‌ای در نظام حقوق بشر دوستانه برخوردار است که کمترین تردیدی درباره عرفی بودن این ماده وجود ندارد. به این ترتیب می‌توان ممنوعیت سلب خودسرانه حق حیات افراد را در شمار قواعد مسلم عرفی بین‌المللی نیز به شمار آورد.

الف: مقاله نامه اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

به موجب مقدمه پیمان اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، دولت‌های امضا کننده به این نتیجه رسیده اند که باید اقداماتی لازم در جهت اتخاذ تدابیری جمعی برای رعایت دسته ای معین از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر به عمل آورند. انتخاب کیفرها در حقوق جامعه اروپا، تحت حاکمیت اصل تناسب میان جرم و مجازات صورت می‌گیرد. اصل در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر احترام به زندگی خصوصی افراد و کیفر زدایی است. ماده ۲ معاهده اروپایی حقوق بشر به حق حیات اشاره دارد و قطع عمدی بارداری (سقط جنین توسط مادر) را منع کرده است. ماده ۳ شکنجه و کیفرها یا رفتارهای غیر انسانی یا تزیلی را در کلیه کشورهای عضو منع می‌کند. حق حیات در مقاله نامه مطلق نیست و تابع شرایطی است. اگر چه در زمان جنگ و یا هنگامی که حیات یک ملت در خطر است نمی‌توان از اجرای ماده ۱۵ مقاله نامه تخطی کرد، ولی قیود دیگری محتمل است که در خود ماده (قیود قانونی) و بند ۲ ماده ۱۵ (قید بالفعل: مرگ ناشی از اعمال مشروع جنگ) مندرج است. در بین قیود قانونی، مقاله نامه صراحتاً حق کشورها را در اجرای حکم اعدام صادره از دادگاه در موردی که جرم، قانوناً مستحق چنین کیفری است، محفوظ داشته است. غیر از این موارد پیش بینی شده در مقاله نامه، مرگ عمدی انسان‌ها مغایر با مفاد مقاله نامه است. این ماده الغاگر نیست و حق محروم شدن از حیات را فقط جز در موارد مندرج در ماده ۲ می‌شناسد.

ب: مقاله نامه آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹

این مقاله نامه در سال ۱۹۶۹ در سن خوزه به امضا رسید و به منظور حفظ حق حیات، خواهان اجرای مجازات اعدام محدود گردید. بند اول ماده ۲ در صدد محدود کردن شمول مجازات اعدام و اجرای آن در موارد استثنائی و همچنین منع اجرای این مجازات در مورد زنان باردار و اشخاصی است که در زمان ارتکاب جرم کمتر از هیجده سال یا بیشتر از هفتاد سال سن داشته اند. در موارد متعددی دولتهای عضو علیه ایالت متحده با استناد به اینکه مقررات اعلامیه را در مورد منع مجازات‌های موهن، حمایت از صغار و حق حیات نقض می‌کند به کمیسیون شکایت کرده اند و کمیسیون نقض ماده یک اعلامیه (حق حیات) و ماده ۲ تساوی در برابر قانون را توسط آمریکا تأیید کرده اند.

پ: دومین پروتکل الحاقی به مقاله نامه آمریکایی حقوق بشر

فرایند لغو مجازات اعدام در کشورهای آمریکایی با پذیرش این پروتکل الحاقی در ژوئن ۱۹۹۰ تکمیل شد. این سند موجز شامل ۴ ماده درباره لغو مجازات اعدام است و در ۲۲ اوت ۱۹۹۲، بعد از تصویب کاستاریکا و پاناما لازم الاجرا گردید. ماده یک مقرر می‌دارد که کشورهای عضو پروتکل این حق را در زمان الحاق و تصویب پروتکل برای خود حفظ کرده اند که در زمان جنگ و

در مورد جرائم نظامی مجازات اعدام را اجرا کنند. ماده ۳ مقرر می‌دارد که فقط کشورهای آمریکایی طرف مقابله نامه در قبال پروتکل متعهد هستند و براساس ماده ۴، دولت‌هایی که مجازات اعدام را لغو کرده‌اند، دیگر نمی‌توانند مجدداً آن را برقرار کنند یا در مورد جنایاتی که در گذشته مستلزم مجازات اعدام نبوده، آن را به اجرا در آورند.

ت: پروتکل شماره ۶ مقابله نامه حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

این سند که در سال ۱۹۸۳ به تصویب اکثر دولت‌های عضو شورای اروپا رسید، در جهت لغو مجازات اعدام گام‌های مهمی برداشته است. ماده یک این پروتکل مقرر می‌دارد: مجازات اعدام ملغی است و هیچ کس را نمی‌توان به این مجازات محکوم و او را اعدام کرد. این سند نه تنها کشورهای عضو را مکلف به لغو مجازات اعدام می‌کند بلکه به افراد این حق را می‌دهد که در مراجع ملی و دیوان استراسبورگ برای حفظ حق حیات خود شکایت کنند.

ث: اعلامیه حقوق بشر در اسلام

اعضای کنفرانس اسلامی برای تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر در اسلام در سال ۱۴۰۷ هجری قمری (۱۹۸۶ میلادی) متنی را آماده و در کنفرانس تهران در سال ۱۴۱۰ هجری قمری ارائه نمودند. بعد در سال ۱۴۲۲ هجری قمری مطابق با ۱۹۹۰ میلادی، این سند به کمیته سیاسی و نهایتاً به کنفرانس وزیران رسید و تصویب شد؛ ولی در اعلامیه کنفرانس تهران تغییراتی داده شد. ماده اول این اعلامیه به حق حیات اشاره می‌کند و از چند بند تشکیل شده است:

الف) حیات عطای خداوندی است و حق حیات برای همه انسان‌ها تضمین شده است. همه دولت‌ها و جمعیت‌ها و افراد مکلفند به حمایت و دفاع از حق حیات در مقابل هرگونه تعدی و وارد شدن هرگونه اختلال بر بقای طبیعی آن مانند بیماری‌ها و بلاهای طبیعی و انسانی و جایز نیست جدا کردن هیچ روحی از بدن بدون مقتضای شرعی.

ب) استفاده از هر وسیله‌ای برای نابود کردن چشمه سار حیات بشری اعم از کلی و جزئی حرام است.

ج) حفظ ادامه حیات بشری تا آنجا که خدا بخواهد واجب است. خواه محافظت هر فردی برحیات خود در مقابل تعدی دیگران باشد، خواه تعدی بر خویشتن باشد، مانند انتحار و خواه محافظت از حیات دیگران.

د) واجب است بر هر کسی که مورد استضعاف قرار گرفته و حیات و کرامت او از ناحیه عوامل طبیعی یا از طرف قدرتمندان مورد تهدید واقع شده است که قیام کند به دفع استضعاف و دفع خطر از حیات و کرامت خویشتن به هر نحو مشروعی که توانایی آن را دارد.

هـ) اسقاط جنین حرام است مگر به جهت ضرورتی که شرع آن را تجویز نماید. در این اعلامیه نه تنها برای حفظ حیات انسان ها، بلکه به حفظ حیات گیاهان و حیوانات نیز توصیه شده است. بنا براین، این اعلامیه مجازات اعدام را در مواردی که شرع جایز بداند پذیرفته است و تمایل به لغو مجازات اعدام ندارد.

از آنجایی که اسلام سیستم حاکمیت و قانون را در احکام دینی خود فراهم می‌کند آموزه‌های اسلامی تأثیر بسیار زیادی در سیاست‌های دولت دارد. قوانین اسلامی مجازات اعدام را در مورد جرایم خاصی مانند زنا و ارتداد، اجباری می‌داند به علاوه قرآن اصل زندگی در برابر زندگی (قصاص) را بیان می‌کند در نتیجه بسیاری از مسلمانان بر این باورند که حکم اعدام را نباید لغو کنند. با اینحال بعضی از دولت‌های اسلامی از پیشگامان جنبش لغو مجازات اعدام بوده اند. برای مثال در ترکمنستان ۸۹٪ جمعیت مسلمان هستند و در اواسط دهه ۱۹۹۰ بیش از صد نفر در سال اعدام شدند که آن یکی از بالاترین ارقام اعدام در جهاناست با این حال در سال ۱۹۹۹ رئیس جمهور آن کشور، فرمان لغو کامل مجازات اعدام را صادر کرد. مشابه چنین تغییری در قرقیزستان جایی که مجازات اعدام در سال ۲۰۰۷ لغو شد نیز رخ داد. از اوایل دهه ۱۸۰۰ میلادی نقش سیاست، عقاید مذهبی، باورها و نگرش فلسفی انگیزه ای برای اصلاح طلبان شد که برای لغو مجازات اعدام از قوانین ملی اقدام نمایند. اما طبق گفته فیلسوف و مورخ فرانسوی «میشل فوکو»، دولتهایی مثل فرانسه شروع به محدود کردن استفاده از مجازات اعدام نمودند، نه به دلیل نگرانی بشردوستانه برای افراد، بلکه به این دلیل که رهبرانشان متوجه شدند که دامنه اختیارات قضات باید محدود شود، در غیر این صورت شهروندان دیگر از آنها اطاعت نخواهند کرد. به علاوه اعدام در ملاءعام موجب همدردی برای مجرمین می‌شود و زمینه‌های شورش را فراهم میکند. طبق گفته فوکو قوانین کیفری به عنوان استراتژی باید برای بازیابی قدرت مجازات طبق روش هایی که آن را منظم تر، مؤثرتر و دائمی می‌کند، اصلاح شود هر چند دولت ایران تاکنون پروتکل دوم الحاقی به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره الغای مجازات اعدام را به تصویب نرسانده و در زمره کشورهایی به شمار می‌آید که مجازات اعدام را به عنوان مجازات مجاز و مشروع به کار می‌گیرد، اما تابع محدودیت‌هایی که در ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر گردیده، می‌باشد. پابندی دولت ایران در ارابه گزارش‌های ادواری به کمیته حقوق بشر و همچنین بررسی‌ها و گزارش‌هایی که توسط گزارش‌گران ویژه در این خصوص صورت می‌پذیرد، مویدی بر تعهدات دولت ایران در این راستا، در قبال جامعه بین المللی محسوب می‌شود. قوانین فعلی کشورهای اسلامی عرب زبان در پذیرش مجازات اعدام، مبین طرز فکر متخصصان و قانونگذاران آن و عدم نفوذ تئوری های طرفدار لغو مجازات اعدام در این کشورهاست، ضمن اینکه تا به حال قواعد کیفری کشورهای مذکور تحت یک سیستم واحد در نیامده است: بعضی به اعمال حقوق کیفری اسلامی به طور دقیق پایبندند و برخی دیگر با تصویب قوانین کیفری به سیستم عرفی گراییده اند.

قوانین کشورهای عربی تا اواسط قرن پانزدهم به طور کامل ملهم از شریعت اسلام بوده است، اما از آن تاریخ تا پایان قرن نوزدهم حقوق جزای این کشورها به طور مختلط (موازی شرعی و حقوق موضوعه عرفی) اعمال می‌گردید. زیرا در اواسط قرن پانزدهم دولت عثمانی، اجرای مجازات‌های حدود را در قلمرو حکومت خود متوقف کرد و به جای آن سیستم حقوق کیفری فرانسه را در

خصوص انواع جرایم پذیرفت و قضات را در اعمال مجازات‌های شلاق و یا جزای نقدی به عنوان تعزیر مخیر ساخت. قانون عثمانی در سال ۱۸۴۰ به طور رسمی انتشار یافت و در کشورهای نظیر سوریه، لبنان و عراق که تابع امپراطوری عثمانی بودند قانون مذکور به مرحله اجرا گذارده شد. تنها کشور مصر که مستقل از حکومت عثمانی بود، قانون جزای مصوب ۱۸۵۵ خود را که از قوانین اروپایی اقتباس شده بود اعمال می‌نمود. در عین حال مجازات‌های قصاص کماکان به اجرا در می‌آمد و تا تاریخ تصویب قانون ۱۸۸۳ معتبر بود و بعد از این تاریخ تا به امروز قوانین الحاقی دیگری تصویب و به آن اضافه شده است. بعضی از کشورهای عربی بعد از تصویب قوانین موضوعه عرفی مبادرت به تدوین بخشی یا تمام جرایم مقرر در حقوق کیفری اسلام نموده اند. برای مثال لیبی قانون مربوط به مجازات‌های حدود را از سال ۱۹۷۲ به بعد منتشر کرده و اجرا مینماید و سودان در ۱۹۸۳ قوانین کیفری ملهم از موازین اسلامی را به مرحله اجرا گذارده است. سایر کشورها نیز به تدریج طرح قسمتی یا تمام جرایم را بر طبق حقوق جزای اسلامی تهیه کرده اند که هنوز تصویب و اجرا نشده است.

در قوانین سایر کشورهای اسلامی نیز مجازات اعدام وجود دارد، منتهی برخی از این کشورها در زمان هایی از اجرای آن خودداری کرده و سپس مجدداً به آن روی آورده اند و یا بالعکس. مثلاً در پاکستان اجرای حکم اعدام در سال ۱۹۸۸ متوقف شده و به دستور دولت وقت این کشور مجازات حبس ابد جانشین آن گردید. ولی در سال ۱۹۹۱ دولت جدید این کشور اجرای آن را دوباره بر قرار ساخت و در آوریل ۱۹۹۲ اولین حکم اعدام پس از ۶ سال تعطیلی در این کشور به اجرا در آمد.

نتیجه گیری

مهمترین هدف اعمال مجازات بازدارندگی آن می باشد. با اعمال مجازات اعدام نه تنها بازدارندگی فردی ایجاد نمی شود بلکه بازدارندگی جمعی نیز ایجاد نمی شود چرا که اگر اینطور بود در کشورهایی که مجازات اعدام وجود دارد شاهد اجرای آن بعد از اینهمه مدت نمی بودیم. مجازات اعدام یک حق قانونی است که توسط کشورها با توجه به نظام حقوقی آن کشور تدوین و اجرا می گردد. بعد ازت تشکیل سازمان ملل متحد ابتدائاً اعمال مجازات اعدام ممنوع نگردیده بود و قطعنامه های سازمان تنها اجرای این مجازات را برای جرائم شدید قراردادده بودند. حق حیات در اسناد حقوق بشری به عنوان حق برتر قراردادده شده است. یعنی یک حق اساسی غیر قابل نقض مگر در موارد خاصه. مسئله ای اصلی اینجاست که هرچند بیشتر اسناد حقوق بشر اعمال مجازات اعدام را ممنوع اعلام نموده اند و حتی آن را غیر انسانی می دانند اما پیوستن به این اسناد داوطلبانه است و کشورها را نمی توان به اجبار به پذیرش این الغا و ممنوعیت ملزم نمود. بنابراین لغو مجازات اعدام خواسته شده در اسناد بین المللی تنها مبتنی بر سیستم قضایی کشورها خواهد بود و کشوری مثل کشور ایران که سیستم کیفری خود را مبتنی بر حقوق کیفری اسلام قرار داده است تبعاً چنین الغایی را انجام نخواهد داد.

۱. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، نشر میزان، جلد نخست، چاپ شصت و یکم، تهران، ۱۳۹۹
۲. تاج الزمان، دانش. کیفر شناسی و حقوق زندانیان تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۶
۳. کی نیا، مهدی. علوم جنایی، جلد ۳، جامعه شناسی جنایی، نشر مجد، چاپ نهم، ۱۳۸۹
۴. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۲۲، ۱۳۹۲
۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، جلد دوم، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۱
۶. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیر حسین. حقوق بین الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴،

۷. میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، میزان، چاپ ششم، تهران، ۱۳۹۶

۸. اسداف، توفیق، عدالت همه جانبه حاکم بر عدالت کیفر محور، دو فصلنامه علمی اختصاصی مطالعات تطبیقی حقوق اعدام، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
۹. بیگ زاده، ابراهیم. سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، دی ماه ۱۳۷۵
۱۰. سونکا، پتر. مجازات اعدام از دیدگاه حقوق بشر، ترجمه محمدعلیاردبیلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار و پاییز ۱۳۷۶
۱۱. خزانی، منوچهر. مجازات اعدام براساس کنفرانس بین المللی سیراکیز، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی شماره ۸، مهر ۱۳۸۹،
۱۲. محمدی الموتی، محسن، جلالی، محمود، شوشتری، مهدی، حق حیات و سلب آن از منظر اسالم و حقوق بین الملل بشر با تأکید بر عملیات انتحاری، دو فصلنامه علمی - پژوهشی انسان پژوهی دینی، سال چهاردهم، شماره ۳۷، بهار و تابستان ۱۳۹۶
۱۳. مهرپور، حسین، دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، انتشارات روزنامه اطلاعات، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۴.
۱۴. نوربها، رضا، تحقیقات جنایی سرگردان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، ۱۳۷۸

۱۵. سیفی، داوود، بررسی میزان تطابق حقوق جزای ماهوی ایران با دو میثاق بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم . ۱۳۸۸

16. David F. Greenberg and Valerie West, "Siting the Death Penalty Internationally." *Law & Social Inquiry*, Vol. 33, No. 2 (Spring, 2008), pp. 295-343
17. Hood and Hoyle "Abolishing the Death Penalty worldwide." *Crime and Justice*, Published by: The University of Chicago Press Vol. 38, No. 1 (2009), pp. 1-63
18. Foucault, Michel , *Discipline and Punish*. Publisher : Vintage Books (April 25, 1995)
19. Roger Hood and Carolyn Hoyle, "Abolishing the Death Penalty Worldwide: The Impact of a 'New Dynamic,'" *Crime and Justice*; 38:1; (The University of Chicago Press, 2009)
20. United Nations Economic and Social Council Resolution, "Safeguards guaranteeing protection of the rights of those facing the death penalty," 25 May 1984.
21. Second Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights, aiming at the abolition of the death penalty, Adopted and proclaimed by General Assembly resolution 44/128 of 15 December 1989,